**انیسان، انبسان**

**معین آل داود، فریمان**

در بیشتر فرهنگهای زبان فارسی واژهء«انیسان»با معانی تا اندازه‏یی یکسان آمده‏ است که در زیر شرح بعضی از این فرهنگها به ضرورت نقل میشود:

لغتنامهء دهخدا صفحهء 469:«انیسان:...این کلمه را در لغت‏نامه‏ها بمعنی مخالف‏ و مخالفت نوشته‏ام و مصحف انبسان‏[اَبِ‏]با بای موحده است نه یاء.(از یادداشت به‏ خط مرحوم دهخدا).رجوع به انبسان شود.»

لغتنامهء دهخدا صفحه 277:«انبسان.[](اِ)مخالفت...»

و در زیر صفحه با شمارهء 2 چنین نوشته شده است:

«(2)در لغت فرس انیسان است.مرحوم دهخدا در حاشیه لغت فرس و همچنین در یادداشتهای خود به انبسان تصییح کرده‏اند در حاشیهء لغت فرس چاپ دبیر سیاقی نیز آمده؛ «ظاهرا صحیح انبسان و لغت پهلوی است»در برهان قاطع مصحح آقای دکتر معین نیز انیسان‏ است بمعنی«بیهوده و خلاف و کذب و دروغ و مخالفت»

لغت فرس اسدی طوسی تصحیح عباس اقبال‏1صفحه 390:«انیسان-بپارسی مخالفت‏ بود،بوشکور گفت:

من آنگاه سوگند انیسان خورم‏ کزین شهر من رخت برتر برم»

لغت فرس اسدی طوسی بکوشش محمد دبیر سیاقی‏2صفحه 148؛«انیسان بپارسی‏ مخالف بود.بوشکور گفت:

من آنگاه سوگند انیسان خورم‏ کزین شهر من رخت برتر برم.»

و در زیر صفحه این جملهخ اضافه شده است«ظاهرا صحیح انبسان و لغت پهلوی‏ است).»

آقای دکتر احمد تفضلی ظاهرا با نگرش به آنچه که دهخدا و دبیر سیاقی نوشته‏اند در صفحهء 53 واژه نامهء مینوی خرد3چنین نوشته‏اند:

«... :hnbs'n? :hanbasa?n متضاد،ضد 37 م پا: anbasa?n فارسی:انبسان(در لغت فرس اسدی چاپ آقای دبیر سیاقی ص 148 به صورت«انیسان» تصحیف شده است؛برای شواهد پهلوی بیشتر نک: ẓS?GV.:Glossaire:275

تا آنجا که نوشته داریم واژهء«انیسان»را نخسین بار ابو شکور در بیتی که گذشت‏ (1)-تهران چاپخانهء مجلس 1319 شمسی.

(2)-از انتشارات کتابخانهء طهوری تهران 1336.

(3)-تألیف دکتر احمد تفضلی از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران چاپخانهء زر زمستان 1348

بکار گرفته است و بیشتر فرهنگ نویسان برای«انیسان»همین بیت را شاهد آورده‏اند. آنچه در این اظهار نظرها بیش از همه حیرت‏انگیز است اینکه چگونه هیچیک از آقایان دهخدا،دبیر سیاقی و تفضلی واژهء«انبسان»را در بیت ابو شکور بجای«انیسان» نگذاشته‏اند تا به آسانی دریابند که وزن شعر همه دیگرگون ونادرست میشود و با این‏ ترتیب جزء سوم بجای یک هجای کوتاه و دو هجای بلند،دو هجای کوتاه و یک هجای‏ بلند خواهد داشت یعنی uu -بجای u --؟

«انبسان»در پهلوی واژه‏یی است معمولی و معنی آن مخالف و نامربوط و بگونه‏یی متهم‏ کردن است.همین واژه به زبان ارمنی نیز راه یافته است و بگونهء ambastan متهم‏کننده‏ معنی میدهد.1

فارسی میانهء ترمان‏2-3 ambasan

اما دو واژهء«انیسان»و«انبسان»با وجود معنی یکسان و ظاهری بگونه‏یی‏ یکسان!با یکدیگر هیچگونه بستگی ندارند و آزاد و جدا از یکدیگرند.

واژهء«انیسان»را می‏توان ترکیبی از دو بخش«انی»و«سان»دانست.معنی‏ بخش دوم یعنی«سان»روشن است و امروز آنرا در ترکیب‏های مختلف چون،یکسان- همسان-دیگرسان...داریم؛بخش اول یعنی«انی»همان ane? فارسی میانه بمعنی دیگر و دیگری است که در فارسی میانهء ترفان بگونهء ?ny 4و در اوستا بصورت(8)- anya بهمان‏ معنی آمده است.

ane? به فارسی نو نرسیده ولی در واژهء«نیز»بجای مانده است:

فارسی نو«نیز»فارسی میانه-ane?-z دیگر نیز اوستا(8) .anyaesc?i?t

پس واژهء«انیسان»با معنی«دیگرسان»و«بگونهء دیگر»و«مخالف»با بیت‏ مذکور مناسبت دارد و ژیلبر لازار هم آنرا به همینگونه پذیرفته و آورده است.5

(1)- H.S.Nyberg,AManal of Pahlavi,Part ll Otto Harrasso- witz.Wiesbaden 1974,P.94.

(2)- W.B.Henning,Sogdica,P.53.

(3)-همانگونه که آقای دکتر تفضلی در مقدمهء واژه‏نامهء خود صفحه نه شماره 4 یادآوری‏ کرده‏اند روش قرائت پهلوی در واژه‏نامهء ایشان بر نوشته‏های فارسی میانهء ترفان و فارسی‏ دری استوار است.بنابراین صحیح این واژه anbasa?n است نه hanbasa?n

(4)- W.Hennning,Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch- Turkestan ll.Berlin 1933,P.47.

(5)- Ch.Bartholome,Altiranisehes Wo?rterbuch 2.Aulolage Berlin 1961,P.135.

(5)-«اشعار پراکندهء قدیمترین شعرای فارسی زبان»بکوشش ژیلبر لازار تهران‏ چاپ تابان 1341 صفحه 104 بیت 192.